



بدن کودک و پایان‌پذیری ادبیات کودکان

علی اصغر سیدآبادی

آیا «ادبیات کودک» یا «کتاب کودک» به پایان خود رسیده است؟ برای این‌که از شگفتی این پرسش بکاهیم، می‌توانیم به جای فعل «رسیده است»، بگذاریم «می‌رسد».

پیش از پاسخ گفتن به این پرسش، باید پرسشی مهم‌تر را طرح کنیم تا ضرورت طرح پرسش نخستین روشن شود؛ چرا چنین پرسشی پیش می‌آید؟ به عبارت دیگر، چرا بحث «پایان‌پذیری» یا «پایان‌مندی»، درباره ادبیات یا کتاب کودک پیش می‌آید؟

تحولات تکنولوژیک از سویی و تحولات اجتماعی از سوی دیگر و تأثیر متقابل این تحولات، به رابطه میان کودکان و دنیای اطراف آنان نیز تأثیر گذاشته است.

اینترنت از سویی، اطلاعات را در دسترس کودکان گذاشته است و آنان این امکان را یافته‌اند که به اطلاعات دسترسی داشته باشند و از سوی دیگر، امکان مشارکت آنان را در تولید متن فراهم آورده است.

کودکان که پیش از این، مخاطب ادبیاتی بودند که توسط بزرگسالان تولید و عرضه می‌شد، اکنون

خود به تولید و عرضه‌کنندگان ادبیات در فضای مجازی تبدیل شده‌اند.

این تغییر و تحول، به همین‌جا محدود نشده و شکل‌های گوناگونی از تولید و توزیع ادبیات را فراهم آورده است.

هم‌چنین در جوامع مختلف، اقتدار نهادهای آموزشی از یک‌سو و خانواده از سوی دیگر، تضعیف شده است و کودکان در مواردی به توانایی‌هایی دست یافته‌اند که در روابط یک‌سویه پیشین، تغییر ایجاد کرده است. چنین

سرانجام بر سایر صورت‌های سیاسی رقیب برتری یافته و ثابت شده که تنها سامان پایدار جهانی، نظام سرمایه‌داری است.

برخی از اندیشمندان، نظریه «پایان» فرهنگ و تاریخ خاص و ظهور فرهنگ و تاریخ جدید را پذیرفته‌اند، اما در ضمن اذعان کرده‌اند که گفت‌وگوی آگاهانه با گذشته و بازیافت صورت‌های هنری پیشین، فرهنگ فقر زده معاصر را از سترونی بیرون خواهد آورد (محمد ضیمران، ص ۳۶). برخی دیگر نیز مشخصه شیوه تفکر «پایان‌باور» را در کل، رد قاطع همه ارزش‌های انتقادی منتسب به دوره روشنگری می‌دانند (مایکل پین، ص ۱۷۶).

با این همه، وقتی از «پایان باوری» یا «پایان‌پذیری» سخن گفته می‌شود، لزوماً و همواره معنای یکسانی از آن مراد نمی‌شود. حتی با تأملی کوتاه در چند سطر گذشته، در می‌یابیم که گاهی پایان باوری، اعتقاد به ثبات و کمال چیزی نسبت به چیزهای دیگر است؛ وقتی فرانسویس فوکویاما از پایان غرب می‌گوید، چنین معنایی را مراد می‌کند. در حالی که گاهی پایان باوری، به پایان دوره‌ای و آغاز دوره‌ای جدید منتهی می‌شود. در بحث پایان کتاب و ادبیات کودک نیز با هر دو رویکرد می‌توان بحث کرد.

پایان ادبیات کودک

دیدگاه معتبر در ادبیات کودک، تولد این مفهوم را وابسته به «دوران کودکی» می‌داند. بر این اساس، ادبیات کودک هنگامی متولد شد که «دوران کودکی» به عنوان بخشی ویژه از دوران زندگی انسان به حساب آمد و پس از آن، تهیه و تدوین آثار ویژه کودکان اعتبار و اهمیت یافت (دونا

وضعیت‌هایی، «آینده‌اندیشی» درباره کتاب و ادبیات کودکان را با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌کند که علی‌رغم این‌که افراطی به نظر می‌رسند، ما را در پیش‌بینی آینده تواناتر می‌کنند و سیاست‌گذاران را در اتخاذ تدبیرهای مناسب‌تر.

پایان باوری

«پایان باوری» در فلسفه، جامعه‌شناسی و تاریخ بحث مهمی است و اندیشمندان، بحث‌هایی را درباره «پایان متافیزیک»، «پایان

● «پایان باوری» در فلسفه،

جامعه‌شناسی و تاریخ بحث

مهمی است و اندیشمندان،

بحث‌هایی را درباره «پایان

متافیزیک»، «پایان تاریخ»،

«پایان مدرنیته»، «پایان غرب»،

«پایان نظم»، «پایان هنر» و...

گشوده‌اند که کماکان باز است

تاریخ»، «پایان مدرنیته»، «پایان غرب»، «پایان نظم»، «پایان هنر» و... گشوده‌اند که کماکان باز است!

دیدگاه «پایان باوری»، از قرن ۱۹ در حوزه فلسفه غرب رواج یافته است. هگل نخستین بار در کتاب «درس گفتارهایی پیرامون زیبایی‌شناسی»، از «پایان هنر» سخن گفت و هایدگو کتابی درباره «پایان متافیزیک» نوشت. در سال‌های اخیر، فرانسویس فوکویاما نیز مدعی شده است که با فروپاشی کمونیسم، ما به «پایان تاریخ» رسیده‌ایم؛ به این معنا که سرمایه‌سالاری لیبرال،

نورتون، ص ۵۲).

بر این اساس، «ادبیات کودک» وابسته به دوران کودکی است و تغییرات «دوران کودکی»، به تغییر ادبیات کودک و نوجوان می‌انجامد.

براساس این بحث، «ادبیات کودک» مفهومی تاریخ‌مند و تغییر و تحول آن، وابسته به تغییر و تحولات تاریخی و اجتماعی است. زیرا «دوران کودکی» چنین ویژگی‌ای دارد.

فیلیپ آریز، جامعه‌شناس فرانسوی که درباره «دوران کودکی» سخن گفته است، ضمن اشاره به تغییر و تحول این مفهوم در ادوار گوناگون، کودکی را ایده‌ای می‌داند که در چارچوب‌های اجتماعی و فرهنگی، به عنوان حاملان ارزش‌ها و انگیزه‌های نژادی، اخلاقی و اجتماعی تغییرپذیر، ایفای نقش می‌کند (پیتر هانت، ص ۱۲).

بسیاری از کسانی که به تاریخ ادبیات کودک پرداخته‌اند، به این تغییر و دگرگونی‌ها نیز اشاره کرده‌اند. به طور مثال، یکی از پژوهشگران با مقایسه کتاب‌های پایان دهه ۱۹۵۰ با قبل، پی‌برد که شخصیت‌های بزرگسال در کتاب‌های کودکان، در روابط خود با کودکان کم‌تر خرده‌گیر و حق به جانب هستند. حال آن‌که کودکان نسبت بزرگسالان، رک‌تر، مستقل‌تر و خرده‌گیرتر می‌شوند. هم‌چنین، یکی دیگر از پژوهشگران به این نتیجه رسید که ادبیات کودک دهه ۱۹۶۰، بیانگر زوال قدرت بزرگسالان و عمیق‌تر شدن شکاف بین نسل‌هاست (دونا نورتون، ص ۸۷).

هم‌زمان که از زوال اقتدار بزرگسالان و نهادهای آموزشی سخن گفته می‌شود، بحث «زوال دوران کودکی» نیز پیش می‌آید و نیل پستمن، جامعه‌شناس آمریکایی، از «زوال دوران کودکی» سخن می‌گوید. وجود رسانه‌های جدید و

دسترسی کودکان به اطلاعاتی که پیش از پیدایش رسانه‌ها از کودکان پنهان نگه داشته می‌شد، آنان را از دنیای کودکی دور و به دنیای بزرگسالی نزدیک می‌کند.

«زوال دوران کودکی»، می‌تواند به زوال همه عناصر و پدیده‌هایی بینجامد که به دوران کودکی وابسته‌اند و یکی از این پدیده‌ها، «ادبیات کودک» است.

از سویی دیگر، برخی معتقدند که رواج رویکرد زیبایی‌شناسانه در ادبیات کودک و واکنش

● اگر فرض را بر برابری شرایط و امکان دسترسی به اطلاعات بگذاریم، عاقبت «بدن کودک» باعث می‌شود که «کودکان جدیدی» ساخته شوند؛ کودکانی متفاوت از کودکان گذشته و متفاوت با بزرگسالان

نویسنده‌ها به رویکردهای آموزشی و تربیتی، رفته رفته به مخدوش شدن مرزهای ادبیات کودک - بزرگسال می‌انجامد. دیدگاه‌هایی مانند دیدگاه ناتالی بایت، نویسنده و منتقد آمریکایی که معتقد است هیچ تفاوت مهمی میان ادبیات کودک و بزرگسال نیست و تفاوت‌های چندانی بین محتوای ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال وجود ندارد (پیتر هانت، ص ۲۷)، می‌تواند به چنین نتیجه‌ای برسد. از میان رفتن مرز میان ادبیات کودک و بزرگسال نیز هم‌چون زوال دوران کودکی، می‌تواند به پایان ادبیات کودک منجر شود.

پایان کتاب کودک

اختیار مخاطبان و هم‌چنین نویسندگان می‌گذارد، می‌تواند به حذف کتاب چاپی و کاغذی بینجامد. بنا به نظر معتقدان این دیدگاه، هنگامی که نویسنده‌ای می‌تواند متن ادبی خود را به راحتی و بدون موانع موجود از جمله سانسور، هزینه و... در اختیار مخاطب قرار دهد و مخاطب به راحتی و با هزینه‌ای بسیار کم‌تر می‌تواند آن را بخواند، چه نیازی به کتاب کاغذی وجود خواهد داشت؟

ضمن این‌که اینترنت، امکان‌های متفاوتی هم‌چون دریافت فوری واکنش مخاطب، تولید مشترک مخاطب و نویسنده و... را نیز فراهم می‌کند.

چند پرسش

در بحث «پایان ادبیات کودک» و «پایان کتاب کودک»، دلایلی ذکر شد که پرسش‌هایی را پیش می‌آورد.

دسترسی - امکان دسترسی: در بحث «زوال دوران کودکی»، می‌توان این پرسش را طرح کرد که آیا آن‌چه با آمدن رسانه‌های جدید فراهم آمده، «دسترسی به اطلاعات» است یا «امکان دسترسی به اطلاعات»؟

بدیهی است که فراهم آمدن امکان دسترسی به اطلاعات، لزوماً به دسترسی نمی‌انجامد و عوامل و موانع زیادی هم‌چون حجم بالای اطلاعات و نیاز به گزینش، ناهم‌زمانی، نیازهای پیشینی برای دریافت اطلاعات و... می‌تواند علی‌رغم فراهم بودن امکان تکنولوژیک، دسترسی به اطلاعات را ناممکن یا دشوار کند.

بحث دسترسی به اطلاعات، مبتنی بر این پیش فرض است که تنها عامل عدم دسترسی به اطلاعات، عامل تکنولوژی است و با حل آن،

«پایان ادبیات کودک»، خود به خود می‌تواند به معنای «پایان کتاب کودک» باشد، اما این موضوع از زاویه‌ای دیگر نیز قابل تأمل است. پیشرفت‌های تکنولوژیکی و ورود رسانه‌های جدید، رابطه یک‌سویه نویسنده و خواننده را دستخوش تغییرهای جدی و مفهوم خواننده را متحول کرده است.

خواننده که پیش از ورود این رسانه‌ها، فقط مصرف‌کننده متن‌های نویسندگان بود، خود

● «زوال دوران کودکی»،

می‌تواند به زوال همه عناصر و

پدیده‌هایی بینجامد که به

دوران کودکی وابسته‌اند و یکی

از این پدیده‌ها، «ادبیات کودک»

است

توانایی پیدا کرده است تا به نویسندگان بپیوندد و از آن‌جا که اینترنت به عنوان یک وسیله ارتباطی، حیطه وسیعی از امکانات، از تعامل دو نفره گرفته تا مدل سنتی ارتباطات جمعی را در بر می‌گیرد، مخاطبان نقش‌هایی متفاوت و بی‌شمار می‌یابند و می‌آموزند چگونه از نقشی به نقشی دیگر در آیند (دنیس مک کویل، ص ۲۱۶).

از سوی دیگر، اینترنت نیاز به کاغذ و چاپ را که به دلیل ایجاد هزینه‌های زیاد، انتشار ادبیات را محدود می‌کرد، از میان برداشته است و با توجه به توسعه گسترده اینترنت، می‌توان پیش‌بینی کرد روزی برسد که دوره «کتاب کاغذی» سرآید. به عبارت دیگر، وجود اینترنت و امکان‌هایی که در

دسترسی به اطلاعات ممکن خواهد بود.

است، تجربه بیش‌تری دارد و این تفاوت پایان‌ناپذیر است؛ زیرا همواره تجربه زیستن بزرگسالان، بیش‌تر از کودکان است و این تفاوت می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

بدن کودک: نکته‌ای که اساساً در بحث‌های فرهنگی و اجتماعی درباره کودکان از آن غفلت می‌شود، «بدن کودک» است. در بحث‌های نظری مربوط به کودکی و دوران کودکی، بحث‌ها معمولاً با تفکیک «کودک بیولوژیک» از «کودک اجتماعی شده» دنبال می‌شود، اما از یک نکته اساسی غفلت می‌شود که آن‌چه باعث تفاوت «کودک

از سوی دیگر، در این نظریه به تأثیر علائق و نیازهای خاص کودکان بر گزینش اطلاعات توسط آنان، توجه کافی نشده است. هر کسی در مواجهه با رسانه‌های جدید و از جمله اینترنت، به سبب حجم بالای اطلاعات و زمان اندک، ناگزیر از نوعی گزینش است و در این گزینش، علائق و نیازهایش تعیین‌کننده است. حال، پرسش این است که آیا علائق و نیازهای کودکان در مواجهه آنان با این پدیده، الزاماً یا بزرگسالان یکسان است؟

از سوی دیگر، اگر کتاب کاغذی و اینترنت را مقایسه کنیم، در می‌یابیم که کتاب کاغذی به لحاظ وزن و اندازه قابل حمل و نقل است و تا رختخواب کودک می‌رود. به علاوه، خواندن آن به امکانات و توانایی‌های ویژه‌ای (به جز توانایی خواندن) نیاز ندارد. در حالی که دسترسی به اینترنت، به امکانات و توانایی‌های خاصی نیاز دارد و برای این‌که از این زاویه با کتاب کاغذی امکان رقابت داشته باشد، باید دچار تحولات مهمی شود که در کوتاه مدت بعید به نظر می‌رسد.

کودک - بزرگسال: نکته دیگری که باید در

● از میان رفتن مرز میان ادبیات کودک و بزرگسال نیز هم‌چون زوال دوران کودکی، می‌تواند به پایان ادبیات کودک منجر شود

اجتماعی شده» با «بزرگسال» می‌شود، عاقبت به «بدن کودک» برمی‌گردد و یا حداقل به آن ربط دارد.

اگر فرض بگیریم که تمام شرایط فرهنگی و اجتماعی کودک و بزرگسال یکسان باشد، این پرسش پیش می‌آید که آیا نتیجه یکسانی به دست می‌آید؟ آیا «بدن کودک» هیچ تأثیری در ماجرا ندارد؟ آیا کودک خردسالی که توانایی نشستن پشت کامپیوتر را ندارد یا به زبانی غیر از زبان مادری‌اش آشنا نیست و یا توانایی خواندن و نوشتن ندارد، در کسب اطلاعات و به کار بستن آن تفاوتی با بزرگسالان ندارد؟

به عبارت دیگر، «بدن کودک» در اجتماعی شدن او تأثیر دارد و توانایی‌ها و ناتوانی‌های خود را

این‌جا توضیح بدهیم، این است که در این بحث به «اطلاعات» در تبدیل «کودک» به «بزرگسال»، نقشی اساسی داده شده و تفاوت بزرگسال و کودک، به داشتن یا نداشتن اطلاعات محدود شده است؛ در حالی که اطلاعات به تنهایی نمی‌تواند چنین نقشی ایفا کند.

به فرض که «کودک» به اطلاعات دسترسی داشته باشد و بر همه موانع استفاده از اطلاعات غلبه کند، تفاوت بزرگ دیگری با بزرگسال دارد و آن «تجربه» است و تجربه از راه زیستن حاصل می‌شود. بزرگسال به دلیل این‌که بیش‌تر زیسته

● نکته‌ای که اساساً در
 بحث‌های فرهنگی و اجتماعی
 درباره کودکان از آن غفلت
 می‌شود، «بدن کودک» است. در
 بحث‌های نظری مربوط به
 کودکی و دوران کودکی، بحث‌ها
 معمولاً با تفکیک «کودک
 بیولوژیک» از «کودک اجتماعی
 شده» دنبال می‌شود

بر شرایط اجتماعی کودک تحمیل می‌کند و تا
 وقتی «بدن کودکانه» وجود داشته باشد، شرایط
 یکسان و برابر بیرونی نیز نتیجه‌ای متفاوت
 می‌دهد.

اگر فرض را بر برابری شرایط و امکان
 دسترسی به اطلاعات بگذاریم، عاقبت «بدن
 کودک» باعث می‌شود که «کودکان جدیدی»
 ساخته شوند؛ کودکانی متفاوت از کودکان گذشته و
 متفاوت با بزرگسالان. این کودکان همان قدر که با
 کودکان نسل قبلی تفاوت دارند، با بزرگسالان این
 نسل هم تفاوت خواهند داشت.
 تا وقتی بدن کودک داشته باشیم، سخن گفتن
 از پایان ادبیات و کتاب کودک، سخنی واقعی

نخواهد بود؛ زیرا فقط وقتی ادبیات کودک پایان
 می‌گیرد که «کودکی» به پایان رسیده باشد و این
 ممکن نیست؛ مگر این که منظور از پایان ادبیات یا
 کتاب کودک، تحولات تازه این حوزه باشد. در این
 صورت، می‌توانیم بگوییم پیش از این که ادبیات
 کودک به پایان خود رسیده باشد، ادبیات کودک
 جدیدی آغاز شده است!

منابع

- هانت، پیترو: دیدگاه‌های نظری و انتقادی در
 ادبیات کودکان، علیرضا کرمانی و علیرضا
 ابراهیم‌آبادی، انتشارات آرون، چاپ اول ۱۳۸۳
 — ضیمران، محمد: اندیشه‌های فلسفی در
 پایان هزاره دوم، انتشارات هرمس، چاپ اول
 ۱۳۸۰
 — پین، مایکل: فرهنگ اندیشه انتقادی از
 روشنگری تا پسامدرنیته، پیام یزدانجو، انتشارات
 مرکز، چاپ اول ۱۳۸۲
 — نورتون، دونا: شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و
 کاربردها (از روزن چشم کودک)، ترجمه گروهی،
 انتشارات قلمرو
 — مک‌کوایل، دنیس: مخاطب‌شناسی، مهدی
 منتظر قائم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات
 رسانه‌ها ۱۳۸۰